

که در شان وی جایزه بگوشند **و از آنجمله آنست** که ابن عباس رضی الله
 عنهما گفته است که برای من و عبدالمطلب در ساری کعبه فرقی
 بنده اجنبی و بقره و احترام و بر کسی بر آن تشبیهی و بر آن بنا
 کردوی تشبیهی تا وی بشنود آنند که بر آن تشبیهی پس
 رسول صلی الله علیه و سلم گوید که بود بیرون می آمد و میخواست
 که بر آنجا تشبیه تمام وی نمیکند است عبدالمطلب میگفت و عمو
 ابی فوهدان که شام اعظمی یعنی پسری مرا بکنند از بد که هر جا خوا
 بنشیند که مرد و کار بزرگ خواهد بود و گفتی می بینم که روزی
 پیش آید که او سید شما باشد و این نور که در چین و کای می بینم نور
 چرخ کسی است که از وی سروری و مهوری مردم آید پس از وی
 با لوطالب که با عبد الله از یک مادر بود مذکور می و گفتی با انا
 این کودک را کار عظیم در پیش است او را نگاه دار تا که در دنیا
 بویا نرسد و او را گردن خود نشاندی و طواف کردی و
 داشتی که او بر آزار نگردد و بر آتش ایشان نبردی و
 چون عبدالمطلب در شام بود و سالگی و بر وی ایسی در صد و ده

سالگی و فاتی یافت ابوطالب بموجب وصیت پدرش محمد و بر
 وی قیام نمود چنانکه مشهور است **و از آنجمله آنست** که رسول صلی
 علیه و سلم بعد از وفات عبدالمطلب با لوطالب بود و آن وقت
 هشت ساله بود و ابوطالب و بر بسیار دوست میداشت
 وقتی که عیال ابوطالب با یکدیگر با شفا شفا طعام خوردند می تشبیهی
 و چون با رسول صلی الله علیه و سلم طعام خوردند می تشبیهی
 و چیزی از طعام نیز افزون آمدی اگر چنانچه شیره بودی اول رسول صلی
 علیه و سلم پاشتا میدی پس کاسه شیره را بعیال و فرزندان ابوطالب
 دادی همه شیره شند می و اگر چه آن کاسه را هر یک بینهای تو شستی
 آشنامید پس ابوطالب بر گفتی که ای منسیر زنده تو پس مبارک
و از آنجمله آنست که چون رسول صلی الله علیه و سلم باید از خواب
 برخاستی و محمد فرزندان ابوطالب را بجال خود بسیار استی
 عذر را موبهای درهم شکسته بودی و فرزندان بر هم بسته و در را
 موی بفرزین و چشم همان بنی ستانه نشانه کرده فرقی شمرده شمرده
و از آنجمله آنست که رسول صلی الله علیه و سلم پس دو ازده سالگی

سالگی فاتی